

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۳۱) کاروانِ حق

فرمود:

- فکر می کنم شما تاکنون به خوبی درک کرده اید که احرازِ یک جایگاه در بخشِ بهشتیِ برزخ، قبل یا بعد از مرگ، چه اهمیتِ خطیری دارد.
به دست آوردنِ چنین منزلگاهی می تواند عینِ خوشبختیِ راستین و نیز مقدمه ای برای خوشبختیِ جاودان، بعد از داوریِ نهایی، باشد.

پرسیدم:

- رفتن به افق و آسمان و یا مشاهدهٔ آن ها، پیش از مرگ، چه خیری را در بردارد؟

فرمود:

- این کار به شما درباره آن چه که در آن ساحت می گذرد، جایگاه کنونی شما در آن، و نیز ارزش کسب آشیانه ای در بخش بهشتی برزخ، تصور روشنی می دهد.

همین امر به شما انگیزه می دهد که تا دیر نشده، بی درنگ، برای دستیابی به آن مأمَن دست به کار شوید.

پرسیدم:

- یعنی با دیگران بر سر به دست آوردن آن سرای رقابت کنم؟

فرمود:

- خیر. گر چه در زمین، انسان ها برای موفقیت در آزمون ورودی یک دانشگاه، یا تلاش برای رسیدن به شغلی

پر طرفدار، و یا زندگی در مکانی بهتر، با یکدیگر رقابت می کنند، اما آن جا، رقابت ای در کار نیست

چون

جا و امکان برای همه هست

و توفیق یک نفر، فرصت کامیابی و راهیابی را از دیگران نمی گیرد.

کافی است متقاضی نشان دهد که برای تعلّم در آن انجمن، دست یافتن به آن مقام، و یا زندگی در آن سرای

صلاحیت لازم را دارد.

انجام هر گونه آزمون، صرفاً برای نشان دادن صلاحیت متقاضیان است.

آن جا، برای پذیرش، نه تنها نیازی به رقابت با دیگران نیست؛ بلکه برعکس،

رقابت، به ویژه رقابت آمیخته به حسادت، مانع بزرگی بر سر راه رسیدن به آن مأوا است.

افزود:

- گرچه در جریان پیمودن این راه، سبقت و سرعت امری نیکوست،

اما

تشویقِ دیگران به شرکت در آزمون، و کمک به آن‌ها برای موفقیت در آن، فضیلتی بس بزرگ

است.

پرسیدم:

- مگر سبقت گرفتن همان رقابت نیست؟

فرمود:

- هر نوع سبقت ای را نمی‌توان رقابت دانست. اگر سبقت‌گیری به خاطرِ منافع و مَطامِعِ شخصی باشد آن

وقت به رقابت تبدیل می‌شود.

رقابت از جنس قمار است؛ در آن، بُردِ یک نفر به معنایِ باختِ دیگران است.

اگر به رفتارِ جانوران دقت کنید می‌بینید که شدیدترین رقابت‌ها در بین وحشی‌ترین آن‌ها دیده می‌شود.

رقابت در شأن انسان نیست و به سلوکِ راستینِ آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

اما

سبقت در خیرات - پیشی گرفتن بر دیگران در زمینه‌ی نیکوکاریِ ایثارگرانه - مشی و وظیفه‌ی یک سالکِ

راستین است.

گفتم:

- من می دانم که برای شرکت در **آزمون های رقابتی زمینی** چگونه خود را آماده کنم، ولی نمی دانم که

در راستای رفتن به آن جا و کسب مقام مطلوب در آن، **چه نوع عملی خوب است؟**

اصولاً چگونه می توان فهمید که کار درست در این راستا چیست؟

آیا معیاری برای تشخیص درستی این نوع اعمال وجود دارد؟

ادامه دادم:

- به عنوان مثال، در جهت آماده شدن برای یک آزمون تحصیلی زمینی، من کتاب هایی در اختیار دارم،

می توانم خود آموزی کنم، و یا معلم بگیرم، و یا در آموزشگاه هایی که به همین خاطر راه اندازی شده اند ثبت

نام کنم.

ولی نمی دانم که برای مهیا شدن برای ورود به برزخ و کسب جایگاهی ارزشمند در آن، از چه چیزهایی باید

استفاده کنم و یا از چه کسانی می توانم کمک بگیرم؟

پرسید:

- شما برای کسب آمادگی جهت شرکت در آزمون ورودی یک دانشگاه، کدام را انتخاب می کنید؟

خود آموزی؟

گرفتن معلم خصوصی؟

ثبت نام در دوره های یک آموزشگاه آزاد؟

و یا

نام نویسی در آموزشگاهی که از سوی بنیانگذار آن دانشگاه برپا گردیده و معلمان آن و سرفصل آموزش

هایش نیز توسط آن بنیانگذار انتخاب و تعیین شده اند؟

بی درنگ پاسخ دادم:

- بی شک آخری را برمی گزینم؛

چون معلمان آن آموزشگاه، از همه بهتر می دانند که قرار است چه چیزهایی در آن آزمون پرسیده شوند و یا برای ورود به آن دانشگاه چگونه صلاحیت هایی لازم اند.

امکان این که ایشان در این امر اشتباه کنند بسیار اندک است.

فرمود:

- برای نیل به جایگاهی پر ارج در برزخ نیز باید از کسانی راهنمایی گرفت که از سوی پدیدآورنده هستی انتخاب شده اند، مصون از اشتباه اند، و، به بهترین نحو، داوطلبان (سالکان) را زیر نظر "او" آموزش می دهند.

گفتم:

- ولی موضوع اصلی صحبت ما رفتن به برزخ برای مشاهده آن جا بود - درست مثل یک سفر گردشگری - و نه دستیابی به یک جایگاه در آن جا.

بیاید بار دیگر به همان بحث برگردیم. چون در آن باره پرسشی مهم ذهنم را در گیر خود ساخته است:

آیا کس یا کسانی هستند که بتوانند راهنمای ما در این سفر و نیز آشنای ما در آن جا باشند و اخذ روادید

و امر اقامت در آن جا را برای ما تسهیل کنند؟

فرمود:

- اگر در یک سفر گردشگری، شما بیم آن داشته باشید که راه را گم کنید، و یا بخواهید که از پیش جایی

در مقصد برایتان ذخیره شود، و یا مایل باشید که زحمت تشریفات ورود را به دیگران محول نمایید، چه

خواهید کرد؟ و چرا؟

گفتم:

- در یک **کاروان گردشگری** ثبت نام می کنم؛ چون می دانم که **کاروان دار** بارها به این سفر رفته و راه را از **بیراهه** به خوبی تشخیص می دهد. ضمناً در مقصد، بهترین **مهمانسرا** را خوب می شناسد و با **صاحب آن** **آشنایی** دیرینه دارد و کارِ ذخیره کردن جا در مهمانسرا و اخذ روادید و دیگر تشریفات را خودش انجام می دهد. کافی است من در چنین کاروانی ثبت نام کنم و **هزینه سفر** را بپردازم.

فرمود:

- با آن که سفر به برزخ و آسمان با سفر های گردشگری در زمین به **کلی متفاوت** اند، ولی، به خواست و امرِ "او"، کسانی **مأمور** و **موظف** شده اند که شما را در سفر به آن جا راهنمایی نموده و **اخذ روادید** را برای شما آسان کنند.

این افراد، **نماینده پدیدآورنده آن میهمانسرا** یند. از گم کردن راه **مصون** اند و راه های آسمان را از راه **های زمین بهتر می شناسند**.

کاروان سپرده شده به ایشان، کاروانِ تحتِ امرِ "او" - **کاروانِ حق** - است. به کاروانِ ایشان **بیوند** و از **تکروی** سخت پرهیز.

گفتم:

- اما بسیاری کسان هستند که ما را به تکروی و به سوی **شعارِ فقط "او"** دعوت می کنند. آهی کشید و فرمود:

- کسانی که مردم را به **تکروی در سلوک** می خوانند، در **حقیقت**، **ضرورتِ نبوت** و **امامت** را **انکار** می کنند. متأسفانه، بسیاری از افراد نمی دانند که **انکار** این گونه **ضروریات دین**، به ویژه از سوی آنان که از پیش با پیامبران و امامان آشنا بوده اند، **نمودی از کفر** است.

"او"، حتی برای کسانی که پیامبران و امامان راستین را نمی شناخته اند نیز، در دلِ شان، رسولی درونی قرار داده تا ایشان را به سوی کاروانِ حق راهنمایی کند.

پس حجت بر همگان تمام شده است.

تکرار کرد:

- به قافلهٔ حق ملحق شو و این جلوه از عُرْوَةُ الْوُثْقَى (دستاویزِ محکم) را هرگز رها مکن.

آنان که از کاروانِ حق جدا می گردند، خیلی زود اسیرِ راهزنان و یا طعمهٔ گرگانِ بیابان می شوند.

گفتم:

- ولی کاروانِ دارانِ زیادی مدعیِ آن اند که راه را بلد اند؛

چگونه می توان کاروانِ سالارانِ حقیقی را از مدعیانِ ساربانِ باز شناخت؟

فرمود:

- شناساییِ کاروانِ سالارانِ راستینِ کارِ دشواری نیست.

آن ها حُجَّتِ هایی آشکار از سویِ "او" دارند.

تنها هدفِ خود را راهنماییِ انسان ها به پیشگاهِ "او" می دانند.

و در آن جا نیز

وَجَاهَتِ خود نزد "او" را صرفِ شَفَاعَتِ برای گناهکاران می کنند

و

به امر و اذن و زیر نظر "او"، وظیفه آموزش مؤمنان، آگاهی دادن به آنان، و تعالی بخشیدن به جایگاهشان را بر عهده دارند.

ادامه داد:

- هیچگاه زمین از وجود چنین کسانی خالی نبوده و خالی نمی ماند.

در زمان حاضر نیز، امامت - کاروانسالاری - "قافله حق" به دست رادمردی از خاندان پاک پیامبری سپرده شده است که کاملترین پیام را از سوی "او" آورده است.

رادمردی که خود هدایت یافته "او" است و، به امر و اذن و زیر نظر "او"، کاروان حق را به سوی سرزمین مهر و داد راهبری می کند.

کاروان این خاندان، کشتی نجات در دنیا و آخرت است.

به کاروان ایشان بپیوند.

آن ها صاحبان فرمان (اولو الامر) هستند و جواز کاروان داری شان را "او" صادر فرموده است.

آن ها کسانی هستند که همواره

خود را سپر کرده اند تا به دین خدشه ای وارد نشود،

حال آن که

فریبکارانی که مدعی ساربانانند، همواره دین را سپر کرده و می کنند تا خود و منافعشان آسیب نبینند.

افزود:

- به کاروان حق بپیوند؛

به قافله کاروانسالارانی که برای خود هیچ نمی خواهند.

آنانی که نه تنها ثبت نام در کاروانشان رایگان است، بلکه در طول راه نیز از جان و مال و هستی خود و

خانواده شان - حتی از نوزادِ شیرخواره خود - می گذرند

و

با ایثارگری، زیبا ترین و پرشکوه ترین حماسه ها را می آفرینند

تا

کاروانیان از گزندِ راهزنانِ مصون بمانند و سالکان، راه را از چاه باز شناسند.

بُغضِ گلویم را می فِشُرد.

خوب می دانستم که از چه رویدادی و از چه کسانی سخن می گوید:

از جانبازیِ سُلالةِ رسولِ اکرم (ص) - آن پاک نژادانِ دلاور - در دشتِ اندوه و رنج (گرب و بلا)

پایانِ فصلِ دوم

ادامه دارد